

سرمایه گذاری خارجی در ایران

اشاره:

سازمان کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (آنکتاد) در گزارش جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی ۲۰۰۶ خود اعلام کرد که جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی ایران در سال ۲۰۰۵ با کاهش ۷۰ درصدی نسبت به سال قبل از آن، به ۳۰ میلیون دلار رسید.

بنابر این گزارش، حجم کل سرمایه گذاری های خارجی در جهان طی این سال با ۳۰ درصد افزایش نسبت به سال قبل از آن مواجه شد و به ۹۱۶ میلیارد دلار رسید، اما علی رغم روند رو به افزایش سرمایه گذاری های خارجی در سطح جهان ایران با کاهش شدید سرمایه گذاری های خارجی در سال ۲۰۰۵ مواجه شد.

آنکتاد همچنین به رتبه بندی کشورهای مختلف جهان از نظر حجم سرمایه های خارجی دریافتی در سال ۲۰۰۵ پرداخته و رتبه ایران در میان ۱۴۰ کشور جهان از این نظر را ۱۳۳ اعلام کرده است که نسبت به سال ۲۰۰۴ میلادی سه پله تنزل را نشان می دهد. با آقای دکتر طهماسب مظاهری مدیر عامل بانک توسعه صادرات ایران در این مورد گفتگو شده است که در زیر می خوانید. لازم به توضیح است که این مصاحبه قبلاً در روزنامه همشهری هم به چاپ رسیده بود.

● با توجه به این که مدتی وزیر اقتصاد کشور بودید و اکنون نیز مدیر عامل بانک توسعه صادرات کشور هستید روند سرمایه گذاری خارجی در کشور را چگونه می بینید؟

○ روند سرمایه گذاری خارجی، مثل بقیه روندهای توسعه سرمایه گذاری و افزایش سرمایه غیردولتی، تابع عوامل مختلفی از جمله رشد اقتصادی، میزان حمایت از بخش خصوصی و شرایط سیاسی و اجتماعی کشور است. با ملاحظه همه جوانب، ارزیابی فردی من این است که آن بخش از روند سرمایه گذاری خارجی که به قانون تشویق و حمایت از سرمایه گذاری خارجی برمی گردد، با اصلاح این قانون، تاثیر مثبتی پذیرفته است، منتها سر جمع حجم سرمایه گذاری بستگی به سایر شرایط اقتصادی کشور دارد.

● طی چند سال اخیر، چه اقدامات اساسی در راه گسترش سرمایه گذاری خارجی از سوی دولت های مختلف صورت گرفته است؟

○ زمانی که من در دوره نخست دولت آقای خاتمی مشاور اقتصادی دولت بودم و بحث اصلاح قانون تشویق سرمایه گذاری خارجی مطرح شد، در پیش نویس لایحه اصلاح این قانون که توسط وزارت اقتصاد تهیه شده بود، من این پیشنهاد را دادم که به قانون روش فاینانس از جمله بی. او. تی و بیع متقابل افزوده شود و دولت هم پیشنهاد مرا تایید کرد و سوابق این پیش نویس نیز الان هم وجود دارد.

در دور دوم دولت آقای خاتمی نیز که مسوولیت وزارت اقتصاد به من واگذار شد، با تصویب دولت و مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام در بند «ب» ماده ۳ قانون تشویق سرمایه گذاری خارجی بر انجام سرمایه گذاری به روش های مشارکت مدنی مثل بی. او. تی بیع متقابل و روش های مشابه تاکید شده است و این روش ها مشمول حمایت قانون قرار گرفتند. همان طور که می دانید، بند «الف» ماده فوق به سرمایه گذاری مستقیم پرداخته است.

● یعنی روند قراردادهای بی. او. تی متوقف نشده است؟

○ خیر، اکنون نیز در دولت جدید همچنان حمایت از روش های مشارکت مدنی ادامه دارد و از بی. او. تی حمایت می شود، منتها متناسب با هر پروژه و شرایط آن، نوع سرمایه گذاری مناسب آن تعیین می شود. برای بعضی از پروژه ها، سرمایه گذاری مستقیم (مشارکت حقوقی) و برای برخی دیگر مشارکت مدنی مناسب است.

● ویژگی خاص روش های قرارداد سرمایه گذاری مشارکت مدنی که آن را از مشارکت حقوقی و وام و فاینانس متمایز می سازد، چیست؟

○ در مشارکت حقوقی یا سرمایه گذاری مستقیم، سرمایه گذار خارجی سهامدار پروژه می شود، اما در مشارکت مدنی (Project finance) سرمایه گذاری خارجی سهامدار پروژه نمی شود، اما در منافع و عواید حاصل از پروژه شریک می شود و میزان سرمایه گذاری وی از محل عواید پروژه تامین می گردد و از مزایا و سود پروژه بهره مند می شود.

کلاً نقطه مشترک و مهم روش مشارکت مدنی و روش های مشابه آن، بازگشت اصل و سود مورد انتظار از



◆ در مشارکت حقوقی یا سرمایه گذاری مستقیم، سرمایه گذار خارجی سهامدار پروژه می شود، اما در مشارکت مدنی، سرمایه گذار خارجی سهامدار پروژه نیست، بلکه در منافع و عواید آن شریک می شود.

محل عواید حاصل از تولید پروژه است و تفاوت آن با وام یا فاینانس این است که اصل و سود سرمایه را به محصول یا خدمت تولیدی ارتباط نمی‌دهد. در وام، کسی که وام می‌گیرد، موظف است که اصل و فرع وام را بدون در نظر گرفتن سود یا زیان فعالیت خود، به صورت اقساط بدهد، یعنی در وام، بازپرداخت منوط به سود پروژه نیست، اما در مشارکت مدنی، سود و اصل سرمایه به عواید حاصل از کالا یا خدمات تولیدی وابستگی کامل دارد، بدین معنا که سرمایه‌گذار در ریسک پروژه سهام می‌شود و به این دلیل، سودی هم که می‌برد، مشروع و قانونی خواهد بود. بنابراین، یکی از تحولات مثبت سرمایه‌گذاری خارجی این بود که ما توفیق پیدا کردیم که روش‌های مشارکت مدنی را نیز در قانون بگنجانیم و قانون را تکامل ببخشیم. بنابراین، ما موافق این روش‌ها بودیم و هنوز هم از آنها حمایت می‌کنیم.

● **اخیراً و پس از بحث ال ۹۰، وزیر صنایع طی نامه‌ای به وزارت اقتصاد خواهان گنجاندن مساله ۲۰ درصد بازار صادراتی برای تمامی قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی شده است. این پیشنهاد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

○ **توجیه و موضوعیت بحث سرمایه‌گذاری بر اساس سه محور قرار دارد: یکی، روش تامین منابع مالی و ارزی لازم برای سرمایه‌گذاری‌هایی است که لازم است در هر کشوری انجام شود و همچنین کمبود منابعی که هر کشوری با آن مواجه است و از طریق جذب سرمایه‌گذاری اقدام به تامین آنها می‌کند و این منابع وارد بخش‌های تولیدی آن کشور می‌شود.**

محور دوم، به ورود دانش فنی پیشرفته، فن‌آوری و مدیریت، به بخشی که خواهان سرمایه‌گذاری خارجی است، مربوط می‌شود. در مواردی که سرمایه‌گذار خارجی از دانش فنی پیشرفته‌تری نسبت به شریک یا شرکای داخلی خود برخوردار است، می‌توان با آوردن دانش فنی خویش، زمان، فرصت و هزینه را برای رشد دانش فنی در داخل آن کشور صرفه‌جویی کند.

آوردن سهم بازار، محور سوم سرمایه‌گذاری خارجی است، بدین معنا که سرمایه‌گذاران خارجی، به‌ویژه آنها که دارای سهمی از بازارهای خارجی هستند و یا برند و مارک معتبری دارند، با شریک شدن در پروژه‌های داخلی، سهمی را از بازار خود به محصولی که به‌طور مشترک تولید می‌شود، اختصاص می‌دهند. در واقع، این مشارکت، سرمایه‌گذار داخلی سهمی از بازار خارجی را کسب می‌کند و در مقابل نیز سهمی از بازار داخلی کشور به سرمایه‌گذار خارجی واگذار می‌شود.

این سه محور «تامین منابع پولی»، «ورود دانش فنی، فناوری و مدیریت» و «سهم بازار» سه مولفه اصلی در تصمیم‌گیری یک سرمایه‌گذار خارجی برای ورود به یک کشور، سه عامل تاثیرگذار برای سرمایه‌گذار داخلی در شراکت با سرمایه‌گذار خارجی و سه عامل اصلی در سیاست‌گذاری دولت برای دعوت و حمایت از سرمایه‌گذار خارجی محسوب می‌شوند.

● **بحث دیگر، مساله افزایش تعرفه‌های طی چند ماه اخیر است. همان‌طور که می‌دانید، دولت تعرفه برخی از کالاهای را به منظور حمایت از تولید داخل افزایش داده که برای برخی کالاهای مثبت ارزیابی می‌شود، اما برای برخی دیگر مثل تلفن همراه نظریات مختلفی وجود دارد.**

حال با توجه به عدم تولید داخل این کالا، آیا اقدام دولت را مثبت می‌دانید؟

○ **سیاست تعرفه کالا و تعیین تعرفه برای کالاهای مختلف، سیاستی است که همه دولت‌ها و حتی کشورهای آزاد سرمایه‌گذاری نیز از آن برای تنظیم تراز پرداخت تجاری با کشورهای مختلف، تنظیم صادرات و واردات و حمایت از تولید داخل استفاده می‌کنند. چندی پیش نیز دولت آمریکا که ادعای آزادی صادرات و واردات را دارد، تعرفه فولاد وارداتی از اروپا را بالای ۳۰ درصد تعیین کرد و یاد مورد صادرات کالاهای چینی به اروپا و آمریکا نیز بحث افزایش تعرفه وجود دارد. در واقع، تنظیم تعرفه‌ها ابزاری است که همه کشورها با دو هدف تنظیم تراز پرداخت تجاری، واردات و صادرات و دیگری حمایت از تولید داخلی از آن استفاده می‌کنند.**

در ایران هم ما از این ابزار استفاده می‌کنیم که یک نتیجه تبعی آن درآمد دولت است که هیچ‌گاه نباید هدف دولت باشد و چنین نیز نبوده است. البته این ابزار، همچون تمام ابزارهای اقتصادی، دارای پیامدها مثبت و منفی است. چه، دستاوردهای مثبت و پیامدهای منفی، لازم و ملزوم هر تصمیم اقتصادی است.

یکی از دستاوردها این است که افزایش تعرفه، زمینه حمایت از تولید داخلی را - چه تولید در جریان و چه تولید آتی همچون گوشی موبایل - فراهم می‌کند. اگر تولید در جریان نباشد، مثل گوشی موبایل، سرمایه‌گذاران تشویق به انجام سرمایه‌گذاری برای تولید می‌شوند.

معمولاً در این نوع سیاست‌گذاری‌ها - دولت‌ها یا از زمانی قبل اعلام می‌کنند که قصد افزایش یا کاهش تعرفه را دارند و یا همچون اقدام اخیر دولت کشورمان، به‌طور ناگهانی و مقطعی اقدام به تغییر تعرفه می‌نمایند.

به هر حال، حمایت از تولید در جریان یا تولید در آتی، یکی از اهداف نظام تعرفه است که البته یکی از پیامدهای منفی آن و در صورتی که افزایش تعرفه رقم درشتی باشد و هزینه قاچاق از هزینه تعرفه کمتر باشد، افزایش قاچاق کالا به داخل کشور است. دولت به منظور مقابله با افزایش قاچاق به هنگام بالا بردن تعرفه کالا، می‌بایستی هزینه قاچاق را نیز برای قاچاقچی به همان نسبت افزایش دهد. مجموعه تدابیری نیز که برای جلوگیری از افزایش قاچاق کالا صورت می‌گیرد نیز جای خود را دارد و دولت باید جلوی قاچاق را بگیرد.

● **در رابطه با اثر افزایش تعرفه بر تورم توضیح می‌دهید؟**

○ **تورم و افزایش قیمت داخلی نیز از عواقب افزایش تعرفه است. هر چند که ممکن است این افزایش تورم رقم ناچیزی باشد، اما برای اقتصاد تورمی کشور ما حتی ده درصدی افزایش تورم نیز مضر است. در «اثر تورمی تعرفه» و «جزیی بودن این اثر» تردیدی نیست، اما دولت باید بر روی افزایش اندک تورم نیز حساس باشد تا بتواند تورم را کنترل کند. در جزئی بودن اثر تورمی افزایش تعرفه موبایل به علت «یک بار سرمایه‌گذاری بودن آن» تردیدی نیست، لیکن همان تاثیر اندک نیز نباید باشد.**

به هر حال، وزارت صنایع و دولت حتماً محاسن و این عواقب را با هم سنجیده‌اند که اقدام به افزایش تعرفه‌ها کرده‌اند. در صورتی که ارزیابی سرجمع افزایش تعرفه مثبت تلقی شود، افزایش آن قابل قبول است. *

◆ **تامین منابع پولی، ورود دانش فنی، فناوری و مدیریت، سهم بازار سه مولفه اصلی در سیاست‌گذاری دولت برای دعوت از سرمایه‌گذار خارجی محسوب می‌شوند.**